



بررسی هوش هیجانی مجرمان زندانی بر اساس نوع جرم و رابطه آن با سلامت روان

عبدالحمید رضوی *

قاسم نظیری **

رحمان قنبری ***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۷/۴

تاریخ تأیید مقاله: ۹۰/۸/۲۶

چکیده:

امروزه هوش هیجانی^۱ به عنوان یک موضوع جدید در حوزه روانشناسی مورد توجه قرار گرفته است. مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است، مبین نقش هوش هیجانی در جنبه‌های مختلف زندگی همچون روابط اجتماعی و رفتارهای مجرمانه^۲ است.

روش تحقیق: پژوهش حاضر که با هدف بررسی رابطه بین هوش هیجانی مجرمان^۳ زندانی بر اساس نوع جرم^۴ و رابطه آن با سلامت روان انجام گرفته یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل تمام مددجویان محکوم به حبس در سال ۱۳۸۷ در زندان مرکزی شیراز و نمونه مورد نظر ۲۲۱ می‌باشد که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردیده‌اند. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو پرسشنامه هوش هیجانی شات^۵ و سلامت عمومی گلدبرگ^۶ (GHQ) استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از ضریب همبستگی پیرسون تحلیل واریانس یک‌طرفه، آزمون تعقیبی توکی و آزمون T مستقل استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین نمره هوش هیجانی مجرمان بر اساس نوع جرم ارتكابی تفاوت معناداری در سطح $(p < 0.0005)$ وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی پیرسون میزان رابطه هوش هیجانی و سلامت روان مجرمان زندانی را ۰/۶۱۳ - نشان داد.

بحث: در بررسی نوع جرم ارتكابی و سلامت روان مجرمان علاوه بر توانایی‌های شناختی، اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی باید جنبه‌هایی همچون کنترل هیجانات و عواطف نیز بررسی گردد. به معنای دیگر ضعف مجرمان در دستیابی به این مؤلفه‌ها که هوش هیجانی را می‌سازند، منجر به تفاوت در نوع جرم ارتكابی و سلامت روان آنان می‌گردد.

واژگان کلیدی: هوش هیجانی، جرم، مجرم، سلامت روان.

* استادیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش Email: razavi@rie.ir

** استادیار دانشگاه شیراز Email: nazirry@yahoo.com

*** کارشناس ارشد روانشناسی بالینی

1. Emotional Intelligence

2. Criminal Behavior

3. Crimer

4. Crime

5. Schutte Self- Report Inventory (SSRI)

مقدمه

داشته باشد. این مقاله درصدد است تا مشخص کند که بین هوش هیجانی و جرم ارتكابی و سلامت روان مجرمان چه نوع رابطه‌ای برقرار است.

مبانی نظری و پیشینه

جرم پدیده‌ای به قدمت تاریخ بشر و واقعیتی غیرقابل اجتناب است. امروزه جوامع شاهد ارتكاب جرائمی مانند قتل، آدم‌ربایی، سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف و... هستند که اجرای مجازات‌های شدید و سنگین نه تنها تأثیری در پیشگیری از وقوع این جرائم نداشته، بلکه در حال حاضر شیوع چنین جرائمی نیز افزایش یافته است (ستوده، ۱۳۷۸: ۷). تعریف‌های متعددی از جرم براساس رشته‌های مختلف علمی مرتبط با بزه‌کاری^۱ به عمل آمده است. حقوقدانان با توجه به جرائم مندرج در قوانین کیفری و یا تعریفی که قانون‌گذار از جرم به عمل آورده است، اکتفا می‌کنند. جامعه‌شناسان با بررسی موضوع‌های اجتماعی و جرم‌شناسان بر مبنای اصول جرم‌شناسی به تعریف جرم می‌پردازند. در حقوق کیفری براساس ماده (۳) قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ۶۲).

روانشناسی یکی از محورهای اصلی جرم‌شناسی به حساب می‌آید. نقش روانشناس در تبیین پدیده جرم از زمانی برجسته شد که مجرمان را نه تنها از زاویه قضایی، بلکه از دیدگاه روانی و عاطفی نیز مورد بررسی قرار دادند و به‌جای آنکه به قضاوت درباره جرم به عنوان یک عمل مجزا پرداخته شود، بررسی شخصیت مجرم نیز مورد توجه قرار گرفت. به عبارت دیگر اگرچه دستگاه قضایی به قضاوت درباره یک جرم می‌پردازد؛ اما چاره‌ای جز آن ندارد که علاوه بر رفتار مجرمانه^۲ به فرد نیز توجه داشته باشد (دادستان، ۱۳۸۵: ۲۱). روانشناسی جنایی علم مطالعه شخصیت فرد مجرم، شناخت علل و انگیزه‌های رفتار مجرمانه، بررسی نیازهای روانی و تجربه دوران کودکی فرد بزه‌کار است. به عبارت دیگر روانشناسی جنایی به مطالعه علمی رفتار جنایی و فرایندهای ذهنی که در ارتكاب جرم نقش دارند، می‌پردازد

جرم را می‌توان براساس دو رویکرد اثبات‌گرایی و ساخت‌گرایی تعریف کرد. اثبات‌گرایان جرم را پدیده‌ای واقعی و دارای صفاتی می‌دانند که از رفتارهای بهنجار قابل تشخیص است و برخی ساخت‌گرایان معتقدند که جرم لزوماً واقعی نیست، بنابراین اساساً این برجسب است نه نفس رفتار که کسی را مجرم می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۴۷).

از دیرباز سؤالاتی از قبیل اینکه چرا آدمی مرتکب جرم می‌شود؟ چگونه می‌توان از وقوع جرم پیشگیری کرد و آن را در جامعه کاهش داد؟ وجود داشته است. تلاش برای پاسخ دادن به این سؤالات تاریخچه‌ای طولانی را در شاخه‌هایی از علوم مختلفی چون زیست‌شناختی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی، روانشناسی و... به خود اختصاص داده است. در روانشناسی تجربی ارسطویی^۱ (۳۲۲ تا ۳۴۸ قبل از میلاد) هیجان^۲ در سرلوحه علائم بیماری‌های روانی قرار داده شد و بیماری روانی نتیجه به هم خوردن تعادل هیجان در نظر گرفته می‌شد (فقیهی، ۱۳۸۵: ۱۵). امروزه نیز این باور وجود دارد که با توجه به ارتباط میان اختلال‌های روان‌تنی^۳ با هیجان‌ات، به نظر می‌رسد که هیجان‌ها در بروز رفتارهای ناهنجار یا اختلالات روانی نقش اساسی ایفا می‌کنند و ابزارهای هیجانی نادرست می‌توانند سلامت ذهنی و روانی افراد را تهدید کنند (خدا پناهی، ۱۳۸۱: ۲۴۳). هوش هیجانی^۴ به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های روانشناختی موضوعی است که سعی در تشریح و جایگاه هیجان‌ها و عواطف در توانمندی‌های انسان دارد. هوش هیجانی یعنی توانایی‌هایی مانند اینکه فرد در مقابل ناملايمات ضمن پایداری و حفظ انگیزه تکانه‌های خود را کنترل و کامیابی را به تعویق بیندازد، با دیگران همدلی^۵ کرده و امیدوار باشد. با توجه به نقش هیجان‌ها در کیفیت روابط اجتماعی و رفتارهای سازگارانه و بهنجار از یک‌سو و از سوی دیگر با اشاره به این نکته که وجود سلامت روان مستلزم حالات هیجانی متعادل است، به نظر می‌رسد که هوش هیجانی در بروز رفتارهای مجرمانه و سلامت روان^۶ مجرمان نقش اساسی

1. Aristotle Empirical Psychology
2. Emotion
3. Psycho- Somatic
4. Emotional Intelligence

5. Empaty
6. Mental Health
7. Delinquency
8. Criminal- behavior

(محمدی فرود، ۱۳۸۴: ۸).

فراوانی جرم در گروه‌های بیماران روانی است. پژوهشگران اخیر، بیان کرده‌اند که احتمال ارتکاب جرم به‌وسیله بیماران روانی بیشتر است. با این حال، این نتیجه‌گیری مستلزم مشخص کردن معنای جرم است، چون فراوانی برخی از جرائمی که معمولاً خشونت‌آمیز هم نیستند، در بیماران روانی و کل جمعیت یکسان است، در حالی که سرقت و تجاوز جنسی با فراوانی بیشتری در بیماران روانی مشاهده می‌شود (دادستان ۱۳۸۵: ۱۲۶).

جرم و جنسیت

به‌طور کلی بخشی از پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه، تفاوت در هوش هیجانی دو جنس را فقط در زیر مؤلفه‌های هوش هیجانی دانسته (بارون^۳، ۲۰۰۰، ساکلوفسکی^۴؛ آستین^۵ و مینسکی^۶، ۲۰۰۳: ۷۲۱-۷۰۷) و بخشی دیگر از مطالعات این تفاوت در نمرات کل دو گروه نشان داده‌اند (حکیم جوادی و ازهای، ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۵۸). یکی از مسائلی که در بحث جرم مطرح می‌شود، مسئله زن و بزه‌کاری است، براساس آمار رسمی چنین به نظر می‌رسد که زنان به‌مراتب کمتر از مردان بزه‌کارند و کمتر مرتکب خلاف‌های سنگین می‌شوند. هادنسون (به نقل از نجم عراقی، ۱۳۸۱: ۹۴) در نظریه کنترل اجتماعی مطرح می‌کند که علت چنین امری نحوه کنترل زنان است، البته این تفاوت را می‌توان براساس ویژگی‌های زیستی و هورمونی که در زن و مرد متفاوت است و نظریه‌های یادگیری به‌خصوص یادگیری اجتماعی نیز توجیه کرد. در حالی که رویکرد روان تحلیل‌گری بر این باور است که هر کس موقعیتی برایش پیش آید کج رفتاری خواهد کرد، مگر آنکه کنترل اجتماعی مانع او شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۳۹).

در هر صورت مشاهده شده است که افراد دارای هوش هیجانی پایین با احتمال کمتری با دیگران همدلی می‌کنند (مایر^۹ و همکاران، ۱۹۹۰ به نقل از لیبل^{۱۰} و اسنل^{۱۱} جر، ۲۰۰۴: ۴۰۴-۳۹۴). انجل برگ^{۱۲} و اسجورگ^{۱۳} (۲۰۰۴: ۵۴۲-۵۳۳)

به‌رغم وجود مشکلاتی که در تعریف هیجان وجود دارد می‌توان گفت که هیجان‌ها دارای چند بعد هستند که به صورت پدیده‌های ذهنی، زیستی، هدفمند و اجتماعی وجود دارند (ریو، ۱۳۸۲: ۳۱). بنا بر نظریه ایزارد^۲ (۱۹۷۲)، به نقل از اکرامی، ۱۳۸۰: ۲۹) ده هیجان اساسی وجود دارد. از نظر وی یک هیجان هنگامی اساسی است که چهار شرط لازم را برآورده سازد. ویژگی ذهنی خاصی داشته باشد، الگوی شلیک عصبی و جلوه صورتی خاصی داشته باشد و به مجموعه پیامدهای رفتاری خاصی منجر شود. بر طبق یک موضع‌گیری اجتماعی-کنشی، هیجان‌ها اطلاعات و داده‌های اجتماعی مناسبی را در بر دارند که در فهم چگونگی تعاملات موفقیت‌آمیز فرد با دیگران به کار می‌آیند.

گلمن^۳ نتایج پژوهش‌هایی را ارائه داده است که بنابر آن‌ها هرگونه نقصی در هوش هیجانی به عنوان یکی از مؤلفه‌های روانی می‌تواند تفکر را مقهور سازد و موقعیت حرفه‌ای و اجتماعی افراد را مختل کند (گلمن، ۱۳۸۷: ۳۰). هوش هیجانی به مهارت‌های عاطفی و اجتماعی و استعداد فرد برای ارتباطات و حساسیت نسبت به خودش و دیگران اشاره دارد. هوش هیجانی با افزایش سن تحول یافته و به‌هنگام تولد تثبیت شده نیست و می‌توان آن را با یادگیری و تمرین مهارت‌هایی که هوش هیجانی را می‌سازند، پرورش و استحکام بخشید. این نوع از هوش فرد را از نظر هیجانی مورد ارزیابی قرار می‌دهد، به این معنا که فرد به چه میزان از هیجان‌ها، عواطف و احساسات خود آگاهی دارد و چگونه آن‌ها را کنترل می‌کند (گلمن، ۱۳۸۷: ۱۲). یکی از راه‌های بررسی رابطه اختلال‌های روانی با جرائم، تعیین فراوانی چنین اختلال‌هایی در مجرمان است که در این زمینه، دادستان (۱۳۸۵) به یافته‌های پژوهش پرینز^۴ همکاران (۱۹۸۰) را مبنی بر شیوع بیشتر اختلال‌های روانی در میان مجرمان گزارش کرده است. به نظر آن‌ها یک راه دیگر برای تعیین ارتباط بین اختلال روانی با ارتکاب جرم، معکوس کردن راهبرد پیشین و تعیین

1. Reeve
2. Izard
3. Golman Daniel
4. Prins
5. Baron
6. Saklofske
7. Austin

8. Minski
9. Mayer
10. Leible
11. Snell
12. Engelberg
13. Sjoberg

چن^{۱۱} و بچگر^{۱۲} (۲۰۰۱: ۱۱۹۰-۱۱۰۵) و شات^{۱۳} و همکاران (۲۰۰۲: ۷۸۵-۷۶۹) معتقدند که هوش هیجانی با کیفیت بهتر تعاملات اجتماعی، رضایت‌مندی زندگی، اندازه تکالیف اجتماعی و جنبه‌های درون فردی چون تنظیم خلق و خو در ارتباط است. اگرچه با توجه به اطلاعات موجود در زمینه‌های مرتبط با رفتار مجرمانه و یا انحراف‌آمیز و هوش هیجانی می‌توان وجود رابطه منفی هوش هیجانی و رفتار مجرمانه را انتظار داشت، مباحث نظری و یافته‌های پژوهشی بسیار اندکی (برای مثال: گلמן، ۱۹۹۵؛ موریارتی^{۱۴} و همکاران، ۲۰۰۱) وجود دارند که به طور خاص وجود چنین رابطه‌ای را مد نظر قرار داده باشند.

اختلال‌های روانی و جرم

اسپرای^{۱۵} (۱۹۸۴)، به نقل از دادستان، (۱۳۵: ۱۳۸۵) به مرور پژوهش‌هایی پرداخته که مسئله تلاقی روان‌گسیختگی^{۱۶} و جرم را مورد نظر قرار داده‌اند. او به این نتیجه رسیده است که یافته‌های پژوهشی به دو بخش تقسیم می‌شوند: در بخشی از پژوهش‌ها که به بررسی گروه‌های مجرمان بدون توجه به نوع جرم آنان پرداخته‌اند، فراوانی روان‌گسیختگی در حدود ۴٪ بوده است؛ اما در پژوهش‌های انجام شده در مورد مجرمانی که برای درمان‌گری روانپزشکی ارجاع داده شده و معمولاً به جرائم وخیم دست زده بودند، فراوانی اختلال مذکور به مراتب بیشتر بوده است. (دادستان ۱۳۸۵ به نقل از گرین^{۱۷} ۱۹۸۱) نیز گزارش کرده است که در ۷۴٪ از نمونه ۷۸ نفری مردانی که در بیمارستان روانی به علت مادرکشی بستری بوده‌اند، تشخیص روان‌گسیختگی عنوان شده بود.

افسردگی می‌تواند با جرائمی از قبیل قتل، سرقت از فروشگاه‌ها و خشونت در ارتباط باشد دادستان، ۱۳۸۵ به نقل از هافنر^{۱۸} و بوکر^{۱۹} (۱۹۸۲: ۱۴۱) به این نتیجه رسیده‌اند که خشونت افراد افسرده نیز خشونت تعمیم‌یافته به‌سوی خویشاوندان جهت دارد. در واقع ارتکاب جرم می‌تواند ناشی از افسردگی فرد مجرم باشد،

این مسئله را مطرح ساخته‌اند که سازش‌یافتگی اجتماعی موفقیت‌آمیز با ادراک دقیق‌تر خلق دیگران در ارتباط می‌باشد. گلמן (۱۳۸۷: ۳۱۴) نیز شواهدی ارائه داده است که بنا بر آنها میان انواع خاصی از تبهکاری و آنچه آن را بی‌سوادی عاطفی می‌گویند رابطه وجود دارد (برای مثال: فقدان کامل حس همدلی با قربانیان در متجاوزین جنسی و افراد روان‌ستیز^۱). موریارتی^۲، استاف^۳، تیدمارش^۴، ایبر^۵ و دنی‌سون^۶ (۲۰۰۱: ۷۵۱-۷۴۳) نیز در پژوهشی دریافتند که بزه‌کاران مرد دقت کمتری در برجسب‌زنی حالات هیجانی دیگران داشته و در تکانش‌وری، درک و شناسایی هیجان‌ات خود و دیگران با آن‌ها متفاوت هستند. در تبیین نتایج چنین پژوهش‌هایی شاید بتوان گفت که هوش هیجانی توانمندی‌هایی را شامل می‌شود که خود می‌توانند بر کیفیت روابط اجتماعی و میزان سازش‌یافتگی افراد تأثیرگذار باشند. حال با وجود آنکه شواهد ارائه شده می‌توانند به مسئله مؤثر بودن هوش هیجانی در کیفیت ارتکاب جرم و یا نقش آن به عنوان علت یا عاملی تسهیل‌کننده در وقوع جرم و یا متفاوت بودن افراد مجرم در میزان بهره‌مندی از این نوع از هوش منجر شوند، پژوهشی خاص در رابطه با این نوع از هوش و ارتباط آن با جرمی که افراد مرتکب می‌شوند، یافت نشده است.

دادستان (۱۳۸۵: ۱۲۹) یافته‌های پژوهشی فراوانی را مبنی بر فراوانی بیشتر اختلال‌های روانی در میان تبهکاران زندانی نسبت به کل جمعیت را گزارش کرده است (برای مثال: گون^۷ و همکاران، ۱۹۷۸؛ پرینز^۸، ۱۹۸۰؛ تیلور^۹، ۱۹۸۲)، مسئله‌ای که در تبیین آن علل و عوامل متعددی بدون اشاره به هوش هیجانی چنین افرادی ذکر شده است؛ در حالی که پژوهشی نیز در رابطه با هوش هیجانی و سلامت روان مجرمان زندانی یافت نشده است. آستین و همکاران (۲۰۰۵: ۵۵۸-۵۴۷) مشخص ساخته‌اند که توانایی‌های هیجانی دارای اهمیت فراوانی در سلامت روان بوده و زیر مؤلفه‌های هوش هیجانی و درون فردی با مدیریت هیجان مرتبط‌اند. علاوه بر این آنان براساس پژوهش‌های سیاروچی^{۱۰}،

1. Psychopath
2. Moriarty
3. Stough
4. Tidmarsh
5. Eyear
6. Dennison
7. Gunn

8. Prins
9. Taylor
10. Ciarrochi
11. Chan
12. Bajgar
13. Shutte
14. Moriarty

15. Spry
16. Psychosis
17. Green
18. Hafner
19. Boker

معناداری را با مجرمان مرتکب به جرائم درگیری پرخاشگری، جرائم مالی و مرتبط با مواد نشان نمی‌دهد (سیاروچی، ۱۳۸۵: ۲۲). در حالی که مجرمان با خشونت خفیف نسبت به محکومین مالی و متجاوزان خشن و خطرناک نمره بالاتری در هوش هیجانی به‌دست می‌آورند (شریفی، ۱۳۷۷ به نقل از آیسنک، ۱۹۷۷). مایر و سالووی (۱۹۹۹: ۲۶۷) معتقدند که مجرمان مرتبط با مواد از هوش هیجانی پایینی برخوردارند.

با در نظر گرفتن عدم تجانس اختلال‌های روانی و همچنین نامتجانس بودن جرائم، این احتمال وجود دارد که برخی از اختلال‌ها با پاره‌ای از اشکال جرم، مرتبط باشند. به عبارت دیگر، وجود برخی از اختلال‌های روانی، خطر ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد (وسلی^۲ و تیلور، ۱۹۹۱: ۱۳۳). مسئله ارتباط بین اختلال شخصیت و جرم، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است و بسیاری از محققان بر این باورند که اختلال شخصیت بیش از روان‌گسستگی افراد را در معرض ارتکاب به اعمال خشونت‌آمیز قرار می‌دهد. برای مثال برودسکی^۳ (۱۹۷۲) براساس جمع‌بندی نتایج نه تحقیق امریکایی که بین سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۷۰ انجام شده بودند، میزان اختلال‌های روانی در متهمان و مجرمان را بین ۱۶ درصد تا ۹۵ درصد برآورد کرد و متذکر شد که بیشترین فراوانی به اختلال‌های شخصیت اختصاص داشته است (وسلی و تیلور، ۱۹۹۱: ۴۵). ارتباط بین مصرف مواد نیز مانند کوکائین، هروئین، تریاک و الکل با رفتارهای غیرقانونی و مجرمانه در پژوهش‌های متعددی به اثبات رسیده است. تقریباً نیمی از بزرگسالان که به علت جرائم وخیم مانند قتل، سرقت مسلحانه یا تهاجم دستگیر می‌شوند، به‌هنگام دستگیری از مواد استفاده کرده‌اند (لشنر^۴، ۲۰۰۱: ۸۲). بین نوع ماده‌ای که فرد به آن اعتیاد دارد و انواع جرائم ارتكابی او رابطه وجود دارد. به‌طوری‌که تریاک و مشتقات آن چون مروئین، هروئین و غیره. اثرات رخوت‌زا و سست‌کننده داشته و کمتر سبب جرائم خشونت‌آمیز می‌گردد. اهم جرائم ارتكابی معتادین به تریاک، سرقت، کلاه‌برداری، خیانت در امانت، خودفروشی و قاچاق مواد است، در افرادی که حشیش مصرف می‌کنند، در صورت افراط در مصرف، حالت پرخاشگری

ممکن است مجرم پس از ارتکاب جرم به علت احساس گناه یا دستگیر و زندانی شدن، دچار افسردگی شود و یا آنکه احتمال دارد که مجرم به هنگام ارتکاب جرم افسرده باشد؛ اما افسردگی، عامل برانگیزاننده جرم به حساب نیاید.

به‌رغم ابهام‌هایی که در تشخیص اختلال‌های شخصیت وجود دارد، تشخیص اختلال شخصیت، فراوان‌ترین تشخیصی است که درباره مجرمان عنوان می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بیش از دو سوم از بیماران روانی مجرم با یک یا بیشتر از ضوابط تشخیصی اختلال‌های مختلف شخصیت مطابقت کرده‌اند، (دادستان، ۱۳۸۵: ۱۵۴).

با قبول این مسئله که ارتکاب جرم صرفاً دلایل روانشناختی ندارد، نمی‌توان گفت که تمامی مجرمان سطح هوش هیجانی پایینی دارند؛ ولی به‌طور کلی می‌توان گفت که اغلب مجرمان زندانی در سطح پایین‌تری از هوش هیجانی بوده و از سلامت روانی پایین‌تری نسبت به کل جمعیت برخوردار هستند و هوش هیجانی مجرمان بسته به جرم ارتكابی آنان متفاوت می‌باشد (پیتر ایدز^۱، ۲۰۰۴: ۲۷۷). افرادی که هوش هیجانی پایین دارند و در فهم و شناخت احساسات و هیجان‌های خود و دیگران مشکل دارند و از عزت نفس پایینی برخوردارند و کنار آمدن با فشار روانی برای آن‌ها دشوار است. آنان تحت تأثیر فشار روانی برای مدیریت روحیه و خلق خود به رفتارهای مجرمانه مانند سوءمصرف مواد و الکل، پرخاشگری، سرقت و غیره که کمتر اثربخش هستند دست می‌زنند (سانورویان و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۹).

هوش هیجانی و سلامت روان در مجرمان زندانی از لحاظ آماری دارای همبستگی منفی معنادار می‌باشد. این یافته‌ها با نتایج سیاروچی و همکاران (۲۰۰۲) مبنی بر پایین بودن سلامت روانی و هوش هیجانی مجرمان هم‌خوانی دارد (سیاروچی، ۱۳۸۵: ۲۲). از سوی دیگر مجرمانی که به علت ارتکاب جرائم جنسی در زندان به‌سر می‌برند در پایین‌ترین میزان هوش هیجانی در مقایسه با گروه‌های مجرمان دیگر قرار دارند و مجرمانی که مرتکب جرم قتل شده‌اند از هوش هیجانی بالاتری نسبت به افرادی که مرتکب جرائم سرقت شده‌اند، برخوردارند؛ ولی تفاوت

3. Brodsky
4. Leshner

1. Petrides, K. V.
2. Wessely

میزان سلامت روانی در بین زندانیان برخوردار هستند (پالاهنگ، ۱۳۸۱: ۵۷). حکیم جوادی و اژه‌ای (۱۳۸۳: ۱۷۲)، در پژوهش خود علاوه بر ارتباط کیفیت دلبستگی با هوش هیجانی، معنادار بودن نقش جنسیت در هوش هیجانی را گزارش کرده‌اند. به این صورت که بنا بر یافته‌های آنان، دختران هوش هیجانی بیشتری نسبت به پسران داشتند. براساس تحقیقات انجام شده به‌وسیله نوروزیان در سال ۱۳۸۴، یافته‌های مربوط به ویژگی‌های جمعیت شناختی دو گروه زندانی و غیرزندان از نظر سن، تحصیلات و مصرف داروهای غیرروانپزشکی تفاوت معناداری با یکدیگر نداشتند؛ ولی زندانیان به شکل معناداری داروهای روانپزشکی بیشتری مصرف می‌کردند.

بیان مسئله

هدف کلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین هوش هیجانی مجرمان زندانی بر اساس نوع جرم و رابطه آن با سلامت روان است. به‌طور ویژه طرح پژوهش حاضر از نوع مطالعات همبستگی با هدف تعیین رابطه بین این دو متغیر است. نوع جرم ارتكابی نمونه‌ها شامل اعتیاد، جرائم رواندگی، سرقت یا سرقت مسلحانه، قتل عمد یا غیرعمد، جرائم مالی و کلاهبرداری و ربا، رابطه نامشروع، تجاوز به عنف، جرائم خانوادگی، ضرب و جرح، آدم‌ربایی بوده است. به‌طور ویژه پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال بوده است:

کدام یک از متغیرهای هوش هیجانی، سلامت روان، تحصیلات و سن پیش‌بینی کننده بهتری برای سابقه بیشتر رفتارهای مجرمانه محسوب می‌شود؟

جامعه

جامعه پژوهش تمام مجرمانی بودند که در مدت اجرای پژوهش (تابستان ۸۷) در زندان مرکزی شیراز به سر می‌بردند.

نمونه

برای انتخاب نمونه پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد، به این صورت که با حضور در زندان مرکزی شیراز

و تهاجم بروز کرده و ممکن است منجر به ضرب و جرح یا قتل گردند. کوکائین حالت هیجان و تحریک به وجود می‌آورد و جرائم جنسی و اعمال منافی عفت و هتک ناموس از اصلی‌ترین جرائم مصرف‌کنندگان و معتادین به این ماده است. مصرف LSD می‌تواند حالات تهاجمی ایجاد کرده و منجر به ارتكاب جرائم هولناک به‌ویژه قتل گردد (محمدی‌فرو، ۱۳۸۴: ۱۲۱). در یک بررسی انجام شده در امریکا درباره ۵۷۲ معتاد به هروئین نشان داده شده که آن‌ها مسئول ۹ هزار سرقت از منازل، ۶۷۰۰ ورود غیرمجاز، ۹۰۰ دزدی اتومبیل، ۲۵ هزار سرقت از فروشگاه‌ها و ۴۶ هزار جیب‌بری و کلاهبرداری بوده‌اند (دادستان، ۱۳۸۵: ۲۰۳). به نقل از اینساردی^۱ (۱۹۸۶). پژوهشگران نقش الکل را در جرائم برجسته کرده‌اند. شاپ^۲ (۱۹۵۴) میزان تراکم الکل در ادرار ۸۸۲ مجرم را پس از دستگیری تعیین کرد. سطوح مسمومیت در ۸۸٪ از متهمان به ضرب و جرح، ۷۶٪ از متهمان به قتل و ۴۵٪ از کسانی که به تجاوز جنسی متهم شده بودند، دیده شد (دادستان، ۱۳۸۵: ۲۰۳). به نقل از اینساردی^۳ (۱۹۸۶).

تحقیقات صورت گرفته بر روی قاتلان و مجرمین خشن که دارای سابقه ضرب و جرح دارند نشان می‌دهد که این افراد سلامت روانی پایین‌تری نسبت به مجرمان دیگر دارند. در این بررسی‌ها ۹۴٪ قاتلان و ۸۷٪ مجرمان خشن در آزمون HRNB یافته‌های غیرطبیعی و نابهنجاری داشتند (یودال و همکاران، ۱۹۸۷: ۴۹). همچنین بررسی‌های انجام شده در رابطه با میزان سلامت روانی مجرمان زندانی نشان می‌دهد که مجرمان تجاوز به عنف از سلامت روانی پایین‌تری نسبت به مجرمان دیگر برخوردارند (سپاروچی، ۱۳۸۵: ۲۸). گون و همکاران (۱۹۹۱) اطلاعات حاصل از یک مصاحبه نیمه ساخت یافته و مندرجات پرونده ۱۳۶۵ مرد بزرگسال و ۴۰۴ بزرگسال جوان در ۱۶ زندان انگلستان را با ضوابط تشخیصی ICD مطابقت داده و به این نتیجه رسیدند که ۴۰٪ از نمونه مورد بررسی با ضوابط یک مقوله تشخیصی مانند سوءمصرف مواد (۲۳٪)، اختلال‌های شخصیت (۱۰٪)، روان‌آزدگی (۶٪)، روان‌گسستگی (۲٪) و اختلال‌های جهانی کردن (۸٪) منطبق بوده است. سارقین اموال مردم از پایین‌ترین میزان سلامت روانی و متخلفان مالی از بالاترین

دختر و پسر کارشناسی دانشگاه تربیت معلم، که در سال ۷۶- ۱۳۷۵ روی ۵۷۱ نفر اجرا شده، اعتبار آن با روش آلفای کرونباخ که نشان‌دهنده همسانی درونی است، برای مقیاس‌های فرعی علائم جسمی ۰/۸۵، اضطراب و بی‌خوابی ۰/۸۷، اختلال در کنش اجتماعی ۰/۷۹ و افسردگی وخیم برابر ۰/۹۱ برآورد شده است. مقدار روایی سازه^{۱۱} این پرسشنامه نیز برابر با ۰/۸۲ بوده است. همچنین اطلاعاتی در زمینه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، تعداد سوابق، نوع جرم، جنسیت هر آزمودنی جمع‌آوری شد.

ویژگی‌های آزمودنی‌ها

این مجرمان در محدوده سنی ۵۰-۲۲ سال با میانگین ۳۰/۵ و انحراف معیار ۴/۶ می‌باشند که دارای میانگین هوش هیجانی ۱۱۵/۵۴ با انحراف معیار ۱۵، میانگین سلامت عمومی ۲۷/۴۱ و با انحراف معیار ۱۶/۰۴ میانگین سوابق رفتار مجرمانه ۱/۵ و میانگین تحصیلات سیکل می‌باشند.

توصیف و تحلیل داده‌ها

جهت جمع‌آوری اطلاعات پس از اخذ مجوز از اداره کل زندان‌های استان فارس خواسته شد که لیست مجرمین ۲۲ تا ۵۰ ساله را مشخص و آن‌ها را در اختیار قرار دهد. با حضور در بندهای زندان مرکزی شیراز ضمن مصاحبه فردی به‌منظور تکمیل کردن فرم ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و توضیح این‌که تکمیل کردن این پرسشنامه‌ها تأثیری در پرونده قضایی آن‌ها ندارد، آزمون هوش هیجانی شات و پرسشنامه سلامت عمومی تکمیل شد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS محاسبه میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد میانگین

از ۶ اندرزگاه موجود (۵ اندرزگاه مردان و ۱ اندرزگاه زنان) که بیشتر براساس نوع جرم گروه‌بندی شده بودند افرادی که ملاک‌های ورود به پژوهش را داشتند، انتخاب شدند. در مورد گروه نمونه انتخاب زندان مرکزی شیراز به این دلیل بود که احتمال نگه‌داشتن مجرمان دارای جرائم متفاوت در این زندان وجود داشت.

ابزار

از دو ابزار از پیش‌ساخته شده هوش هیجانی شات و فرم ۲۸ سؤالی پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ) استفاده شد. با استفاده از روش تحلیل عامل و تحلیل مؤلفه‌های اصلی ارزش ویژه^۱، چهار عامل به‌دست آمد که هر یک از عوامل، بار عاملی ۴۰٪ درصد و بالاتری را نشان داد. عامل اول شامل ۳۳ ماده و دارای ارزش ۱۰/۷۹ بود و عامل دوم تا چهارم به ترتیب ارزش ۳/۵۸، ۲/۹۰ و ۲/۵۳ را نشان دادند. ۳۳ ماده‌ای که در عامل اول قرار گرفتند. نشان‌دهنده مدل مفهومی سالووی و مایر (۱۹۹۰) از هوش هیجانی است.

پرسشنامه سلامت عمومی به‌وسیله گلدبرگ تهیه شده است که در حال حاضر شکل‌های ۶۰، ۳۰، ۲۸ و ۱۲ ماده‌ای از این پرسشنامه موجود است (چونگ^۲ و اسپیرز^۳، ۱۹۹۴، به نقل از ماردپور، ۱۳۸۳). فرم ۲۸ ماده‌ای این پرسشنامه که از آن استفاده شده به‌وسیله گلدبرگ و هیلر^۴ در سال ۱۹۷۹ تدوین یافته و سؤال‌های آن براساس روش تحلیل عاملی بر روی فرم ۶۰ ماده‌ای استخراج گردیده است. این پرسشنامه دارای چهار زیر مقیاس می‌باشد که عبارتند از: ۱. علائم جسمی^۵، ۲. اضطراب و بی‌خوابی^۶، ۳. اختلال در کنش اجتماعی^۷، ۴. افسردگی وخیم^۸ (هومن، ۱۳۷۶). چن^۹ و چن (۱۹۸۳)، به نقل از یعقوبی، نصر و محمدی (۱۳۷۴) ضریب همسانی درونی این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۵ گزارش نمودند. در پژوهشی باعنوان استانداردسازی پرسشنامه سلامت عمومی بر روی دانشجویان

1. Eigen Value
2. Cheung
3. Spears
4. Hiller
5. Somatic Symptom

6. Anxiety and Insomnia
7. Social Dysfunctioning
8. Sever Depression
9. Chan
10. Construct Validity

جدول ۱. توزیع آزمودنی‌ها بر حسب نوع جرم ارتكابی

نوع جرم	قتل	سرقت	مواد مخدر	مالی	درگیری	آدم ربایی	رابطه نامشروع	تصادف	ورود به عنف	مهریه	کل
فراوانی	۳۳	۳۰	۳۰	۲۹	۲۰	۲۰	۱۸	۱۷	۱۲	۱۲	۲۲۱
درصد	۱۴/۹۳	۱۳/۵۷	۱۳/۵۷	۱۳/۱۲	۹/۰۵	۹/۰۵	۸/۱۴	۷/۰۷	۵/۴۲	۵/۴۲	۱۰۰

و افسردگی و جسمانی کردن و اضطراب و بی‌خوابی به ترتیب رابطه ۰-/۵۱۸، ۰-/۴۷۷، ۰-/۵۱۴، ۰-/۵۷۶، ۰-/۶۱۳، وجود دارد و همه این رابطه‌ها در سطح معنادار بودند ($p \geq 0.0005$). برای آزمون فرضیه دوم مبنی بر وجود تفاوت بین هوش هیجانی با توجه به نوع جرم ارتكابی مجرمان، از تحلیل عاملی یک طرفه استفاده شد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد میانگین نمرات هوش هیجانی در جرم‌های مختلف به ترتیب صعودی از حداقل به حداکثر ارائه شده است. کمترین هوش هیجانی مربوط به گروه ورود به عنف (۹۸/۲۲ =) و بیشترین میزان هوش هیجانی مربوط به رابطه نامشروع (۱۲۳/۵۸ =) می‌باشد.

پس از اعمال آزمون تعقیبی توکی نتایج زیر به دست آمد:

۱. قتل

بین مجرمان قاتل با رابطه نامشروع در هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد و با مجرمان دیگر تفاوتی دیده نشد.

۲. مالی

بین مجرمان مالی با رابطه نامشروع تفاوت معناداری در هوش هیجانی مشاهده شد و با مجرمانی دیگر تفاوتی گزارش نشد.

۳. مواد

تفاوت معناداری بین میزان هوش هیجانی مجرمان مواد با

و دیگر شاخص‌های توصیفی انجام گرفت و برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون T مستقل، تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون تعقیبی توکی استفاده شد.

از ۲۲۱ آزمودنی ۱۶۲ نفر (۷۳/۳۰ درصد) مرد و ۵۹ نفر (۲۶/۷۰ درصد) زن بودند و ۱۱۸ نفر (۵۳/۳۹ درصد) از آن‌ها متأهل و ۱۰۳ نفر (۴۶/۶۰ درصد) مجرد بودند.

ملاحظه می‌شود بیشترین افراد نمونه در گروه قتل و کمترین افراد در گروه‌های ورود به عنف و مهریه قرار دارند. همچنین ۱۱۵ نفر (۵۲/۰۳ درصد) از آزمودنی‌ها بدون سابقه، ۴۸ نفر (۲۱/۷۲ درصد) یک‌بار، ۲۶ نفر (۱۱/۷۶ درصد) دو بار، ۱۸ نفر (۸/۱۴ درصد) سه بار و ۱۴ نفر (۶/۳۳ درصد) چهار بار یا بیشتر سابقه رفتارهای مجرمانه دارند. توزیع سواد نمونه‌ها نشان داد که ۱۱ نفر (۴/۹۸ درصد) بی‌سواد، ۹۰ نفر (۴۰/۷۲ درصد) در سطح تحصیلات ابتدایی و ۹۳ نفر (۴۲/۰۸ درصد) در سطح سیکل، ۱۷ نفر (۷/۶۹ درصد) در سطح دیپلم و ۶ نفر (۲/۷۱ درصد) در سطح فوق دیپلم قرار دارند.

برای آزمایش فرضیه اول مبنی بر وجود رابطه بین هوش هیجانی و سلامت روان آزمودنی‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی با سلامت روان مجرمان

جدول ۲. رابطه بین هوش هیجانی و خرده مقیاس‌های سلامت روانی

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سلامت روانی	۲۲۱	۲۷/۴۱	۱۶/۰۴	-۰/۶۱۳	۰/۰۰۰۵
افسردگی	۲۲۱	۶/۲۳	۵/۲۹	-۰/۵۷۶	۰/۰۰۰۵
جسمانی کردن	۲۲۱	۶/۲۴	۴/۵۰	-۰/۵۱۴	۰/۰۰۰۵
اضطراب	۲۲۱	۷/۸۰	۴/۸۳	-۰/۴۷۷	۰/۰۰۰۵

جدول ۳. فراوانی، میانگین و انحراف معیار آزمودنی‌ها در هوش هیجانی

ردیف	جرم	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	انحراف خطا
۱	تجاوز به عنف	۱۲	۹۸/۲۲	۸/۰۶	۱/۹۰
۲	مواد مخدر	۳۰	۱۱۰/۵۳	۱۱/۵۹	۲/۱۱
۳	سرقت	۳۰	۱۱۱/۲۳	۱۶/۳۰	۲/۹۷
۴	قتل	۳۳	۱۱۶/۵۴	۱۴/۷۲	۲/۵۶
۵	مالی	۲۹	۱۱۸/۹۳	۱۵/۱۹	۲/۸۲
۶	درگیری	۲۰	۱۲۰/۰۵	۱۶/۸۷	۳/۷۷
۷	مهریه	۱۲	۱۲۰/۰۸	۱۴/۲۵	۴/۱۱
۸	آدم ربایی	۲۰	۱۲۱/۳۰	۱۰/۹۴	۲/۴۴
۹	تصادف	۱۷	۱۲۱/۶۴	۹/۵۵	۲/۳۱
۱۰	رابطه نامشروع	۱۸	۱۲۳/۵۸	۱۴/۳۱	۴/۱۳
۱۱	کل	۲۲۱	۱۱۵/۵۴	۱۵	۱

جدول ۴. تحلیل واریانس هوش هیجانی بر حسب نوع جرم

منابع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	سطح معناداری
بین گروهی	۹۸۰۱/۹۸	۹	۱۰۸۹/۱۱	۵/۷۷	۰/۰۰۰۵
درون گروهی	۳۹۷۶۲/۸۵	۲۱۱	۱۸۸/۴۵		
کل	۴۹۵۶۴/۸۴	۲۲۰			

مجرمین دیگر مشاهده نشد.

۴. سرقت

بین میزان هوش هیجانی مجرمین سارق با مجرمین دیگر روان با توجه به نوع جرم ارتكابی از تحلیلی واریانس یک طرفه تفاوت معناداری دیده نشد.

۵. رابطه نامشروع

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد میانگین نمرات سلامت روانی در جرم‌های مختلف به ترتیب نزولی از حداکثر به حداقل ارائه شده است. کمترین میزان سلامت روانی در مجرمین رابطه نامشروع (۳۹/۶۶) و بیشترین میزان سلامت روانی مربوط به زندانیان با جرم‌های مالی (۱۶/۷۹) می‌باشد. برای تعیین سطح معنادار دیده شد.

۶. تصادف

بین مجرمین تصادف با رابطه نامشروع تفاوت معنادار مشاهده شد.

۷. تجاوز به عنف

بین میزان هوش هیجانی مجرمین تجاوز به عنف با رابطه نامشروع تفاوت معنادار دیده شد.

نتایج حاصل نشان می‌دهد که بین سلامت روان و نوع جرم با مقدار $F=۴/۸۵$ در سطح $۰/۰۰۰۵$ تفاوت معناداری وجود دارد. پس از اعمال آزمون تعقیبی توکی نتایج زیر به دست آمد:

جدول ۵. فراوانی، میانگین، انحراف معیار و انحراف خطا سلامت روانی با توجه به نوع جرم

ردیف	جرم	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	انحراف خطا
۱	رابطه نامشروع	۱۸	۳۹/۶۶	۶/۵۷	۱/۵۵
۲	سرقت	۳۰	۳۲/۶۳	۱۷/۱۴	۳/۱۲
۳	مواد مخدر	۳۰	۳۳/۴۶	۱۱/۳۲	۲/۰۶
۴	قتل	۳۳	۳۰/۵۱	۱۵/۹۳	۲/۷۷
۵	درگیری	۲۰	۲۶/۱۵	۲۱/۹۶	۴/۹۱
۶	تصادف	۱۷	۲۴/۳۵	۱۴/۹۴	۳/۶۲
۷	تجاوز به عنف	۱۲	۲۴/۱۶	۱۶/۲۱	۴/۶۸
۸	آدم ربایی	۲۰	۲۲/۸	۱۳/۸۶	۳/۱۰
۹	مهریه	۱۲	۱۷/۸۳	۱۱/۴۴	۳/۳
۱۰	مالی	۲۹	۱۶/۷۹	۱۳/۴۵	۲/۷۷
۱۱	کل	۲۲۱	۲۷/۴۱	۱۶/۰۴	۱/۰۷

جدول ۶. تحلیل واریانس سلامت روانی بر حسب نوع جرم

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
بین گروهی	۹۷۱۹/۱۲	۹	۱۰۷۹/۹		
درون گروهی	۴۶۹۰۲/۴	۲۱۱	۲۲۲/۲۸	۴/۸۵	۰/۰۰۰۵
کل	۵۶۶۲۱/۵۲	۲۲۰			

۱. تفاوت معناداری بین سلامت روان مجرمان قتل با مالی با مجرمان مالی ($p \leq 0/0005$)، مهریه ($p \leq 0/004$) مجرمان آدم ربایی ($p \leq 0/021$) وجود دارد و با بقیه جرمها تفاوت معناداری دیده نشد.
۲. تفاوت معناداری بین سلامت روان مجرمان مالی با قتل ($p \leq 0/013$)، مواد ($p \leq 0/003$)، سرقت ($p \leq 0/003$) و رابطه نامشروع ($p \leq 0/005$) وجود دارد و با بقیه جرمها تفاوت معناداری دیده نشد.
۳. تفاوت معناداری بین سلامت روان مجرمان مواد با مجرمان مالی ($p \leq 0/003$) وجود دارد و با بقیه جرمها تفاوت معناداری دیده نشد.
۴. تفاوت معناداری بین سلامت روان مجرمان سرقت با مجرمان مالی ($p \leq 0/003$) وجود دارد با بقیه جرمها تفاوت معناداری دیده نشد.
۵. تفاوت معناداری بین سلامت روان مجرمان رابطه نامشروع با مجرمان رابطه نامشروع ($p \leq 0/021$) وجود دارد و با بقیه جرمها تفاوت معناداری دیده نشد.
۶. تفاوت معناداری بین سلامت روان مجرمان تصادف با جرمهای دیگر دیده نشد.
۷. تفاوت معناداری بین سلامت روان مجرمان تجاوز به عنف با جرمهای دیگر دیده نشد.
۸. تفاوت معناداری بین سلامت روان مجرمان درگیری با جرمهای دیگر دیده نشد.
۹. تفاوت معناداری بین سلامت روان مجرمان مهریه با جرمهای دیگر دیده نشد.
۱۰. تفاوت معناداری بین سلامت روان مجرمان آدم ربایی با مجرمان رابطه نامشروع ($p \leq 0/021$) وجود دارد و با بقیه جرمها تفاوت معناداری دیده نشد.

۱۱. تفاوت معناداری بین میزان سلامت روان مجرمان درگیری با مجرمان رابطه نامشروع ($p \leq 0/0005$) دیده شد و با بقیه‌ها مجرم‌ها تفاوت معناداری دیده نشد.
۱۲. تفاوت معناداری بین میزان سلامت روان مجرمین مهریه با مجرمان رابطه نامشروع ($p \leq 0/001$) دیده شد و با بقیه مجرم‌ها تفاوت معناداری دیده نشد.
۱۳. تفاوت معناداری بین میزان سلامت روان مجرمان آدم ربایی با مجرمان رابطه نامشروع ($p \leq 0/0005$) دیده شد و با بقیه مجرم‌ها تفاوت معناداری دیده نشد.
- برای آزمون این فرضیه که بین هوش هیجانی مجرمان زن و مرد تفاوت وجود دارد از آزمون t مستقل استفاده شد. ملاحظه می‌شود میانگین نمرات زنان در پرسشنامه هوش هیجانی پایین‌تر از نمره مردان است. می‌توان نتیجه گرفت که بین هوش هیجانی مردان و زنان تفاوت معناداری وجود دارد و به نظر می‌رسد زنان مجرم در مقایسه با مردان مجرم از هوش هیجانی پایین‌تری برخوردارند.
- برای آزمون فرضیه پنجم مبنی بر وجود تفاوت بین سلامت روان با توجه به جنسیت از آزمون تی مستقل استفاده شد. با توجه به نتایج فوق می‌توان نتیجه گرفت که بین سلامت روان مجرمان زن و مرد تفاوت معناداری وجود دارد. به این ترتیب که زنان مجرم در مقایسه با مردان مجرم از سلامت روانی پایین‌تری برخوردارند.
- به‌منظور بررسی سؤال اول پژوهش مبنی بر اینکه کدام یک از متغیرهای هوش هیجانی، سلامت روان، سن و تحصیلات
- پیش‌بینی کننده بهتری برای رفتارهای مجرمانه است؟ از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.
- با توجه به مقادیر F و سطح معناداری آن فرض عدم همواری مدل یا به عبارتی فرض نامناسب بودن مدل خطی حاضر با ضریب اطمینانی بالاتر از ۹۹ درصد رد می‌گردد، بنابراین مدل حاضر در سطح معناداری ۰/۰۵، مدلی مناسب برای پردازش داده‌ها می‌باشد. مقادیر ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین تعدیل شده بیانگر این است که ۱۰ درصد تغییرات مربوط به متغیر سابقه رفتارهای مجرمانه توسط متغیرهای پیشگو (هوش هیجانی، سلامت روان، سن و تحصیلات) توضیح و تبیین می‌گردد. در ادامه تحلیل برای برآورد فرم تابعی خط رگرسیون ضرایب غیراستاندارد و آماره t و سطح معناداری آن ملاحظه شد، چنانچه مشاهده می‌شود، سطح معناداری آماره t مربوط به ضرایب مؤلفه‌های پیشگو ثابت، هوش هیجانی و تحصیلات از سطح معناداری آزمون (در اینجا) کمتر است و در سایر ضرایب این مقدار از ۰/۰۵ بیشتر است. بنابراین، هوش هیجانی و تحصیلات، تأثیر معنادار معکوس بر سابقه رفتارهای مجرمانه دارند و فرم تابعی این تأثیر به صورت زیر نوشته می‌شود.
- (تحصیلات) $0/241 -$ (هوش هیجانی) $0/022 -$ $4/125 =$
- سابقه رفتارهای مجرمانه
- با توجه به ضرایب استاندارد، مقدار بنای استاندارد برای دو متغیر هوش هیجانی و تحصیلات به ترتیب $0/264 -$ و $0/159$ شده است که به‌طور مطلق تأثیر هوش هیجانی بر روی متغیر سابقه رفتار مجرمانه بیشتر است.

جدول ۷. مقایسه هوش هیجانی بر حسب جنسیت

گروه‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
زن	۵۹	۱۰۰/۸۱	۹/۹۴	-۱۰/۹۱	۲۱۹	۰/۰۰۰۵
مرد	۱۶۲	۱۲۰/۹۰	۱۲/۷۹			

جدول ۸. مقایسه سلامت روانی بر حسب جنسیت

گروه‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
زن	۵۹	۱۰۰/۸۱	۹/۹۴	-۱۰/۹۱	۲۱۹	۰/۰۰۰۵
مرد	۱۶۲	۱۲۰/۹۰	۱۲/۷۹			

جدول ۹. نتایج حاصل از انجام رگرسیون چندگانه

سطح معناداری	مقدار F	Residual	R	سطح معناداری	مقدار t	ضرایب		اطلاعات آماری	
						استاندارد	غیراستاندارد		
						Beta	خطای معیار	مؤلفه‌های پیشگو	
				۰/۰۰۱	۴/۱۳۱		۰/۹۹۸	۴/۱۲۵	ثابت
				۰/۰۰۲	-۳/۱۵۶	۰/۲۶۴	۰/۰۰۷	-۰/۰۲۲	هوش هیجانی
				۰/۹۲۷	-۰/۰۹۲	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	-۰/۰۰۱	سلامت روان
۰/۰۰۱	۶/۹۸۶	۰/۱۰۰	۰/۳۴۱	۰/۰۲۰	-۲/۳۴۹	-۰/۱۵۹	۰/۱۰۲	-۰/۲۴۱	تحصیلات
				۰/۹۲۴	-۰/۰۹۶	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۹	-۰/۰۰۱	سن

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با نتایج انجام گرفته پژوهشگران دیگر از جمله ساکولوفسکی و همکاران (۲۰۰۳)، سیاروچی و همکاران (۲۰۰۲)، آستین و همکاران (۲۰۰۴) مبنی بر رابطه منفی هوش هیجانی، مصرف الکل و رابطه مثبت آن با گسترده‌گی و کیفیت روابط اجتماعی. فقیه‌ی (۱۳۸۵)، مختاری‌پور (۱۳۸۱)، خداپناهی (۱۳۸۱)، دادستان (۱۳۸۵) در یک راستاست. در مجموع اکثر مطالعات انجام گرفته حکایت از ارتباط بین هوش هیجانی و سلامت روان مجرمان زندانی دارند. نتایج حاصل حاکی از متفاوت بودن هوش هیجانی مجرمان برحسب نوع جرم ارتكابی آنان است. به‌این معنا که افرادی که به علت ارتكاب جرم ورود به عنف و مواد مخدر در زندان به‌سر می‌برند، دارای پایین‌ترین میزان هوش هیجانی نسبت به دیگر گروه‌های مجرم می‌باشند. نتایج دیگر حاصل از آن بود که مجرمان با جرم رابطه نامشروع، هوش هیجانی بالاتری نسبت به افراد دارای جرائم دیگر دارند و تفاوت معناداری با مجرمان مرتکب به جرائم درگیری، قتل، مالی، تصادف، تجاوز به عنف، مهریه و آدم‌ربایی دیده شد. موریانی و همکاران (۲۰۰۱)، در پژوهش خود نشان دادند که بزه‌کاران مرد در مقایسه با افراد عادی دقت کمتری در برچسب‌زنی حالات هیجانی دیگران دارند. این افراد وقتی با دیگر نوجوانان مقایسه می‌شوند در تکانش‌وری و ناتوانی در درک و شناسایی هیجانات خود و دیگران با آن‌ها متفاوت بوده و همچنین مشکلاتی را در کنترل خشم و پایه‌ریزی روابط معنادار با همسالان خود دارند. گل‌من (۱۳۸۷) نیز ناتوانی در همدلی را به

هدف از پژوهش حاضر، بررسی هوش هیجانی مجرمان زندانی براساس نوع جرم و رابطه آن با سلامت روان بود. نتایج حاصل نشان داد که ضریب همبستگی بین هوش هیجانی و سلامت روان در مجرمان زندانی ۰-۰۶۱۳ می‌باشد که از لحاظ آماری رابطه‌ای معنادار است، به عبارت دیگر مجرمان دارای هوش هیجانی بالاتر از سلامت روانی بالاتری برخوردار هستند. نتایج مؤید این مسئله است که هوش هیجانی با استرس و متغیرهای چندگانه سلامت روان مرتبط است. این توضیح را می‌توان پذیرفت که هوش هیجانی از لحاظ مفهومی توانمندی‌هایی، همچون درک عواطف و خلق را در بر می‌گیرد که خود با وضعیت سلامتی و روان رنجورخوبی در ارتباط می‌باشند. در تبیین سطوح پایین‌تر سلامت روان زندانیان علل و عوامل متفاوتی بدون اشاره به هوش هیجانی آنان مطرح شده است که می‌توان به عواملی همچون احتمال بیشتر دستگیری مجرمان دارای اختلال روانی نسبت به دیگران، اثرات زندان، ارتكاب بیشتر جرم توسط بیمار روانی و اینکه اختلال‌های روانی می‌توانند مهارت فرد را در ارتكاب جرم کاهش داده و موجب شوند تا به سهولت دستگیر شوند. اگرچه هوش هیجانی یک مجموعه توانایی و سلامت روان حالتی ذهنی می‌باشد، مشخص شدن نوع این ارتباط مستلزم مطالعات بیشتری است که این مسئله را به‌طور خاص مورد بررسی قرار داده و نقش آموزش توانمندی‌های تشکیل‌دهنده هوش هیجانی را در بهبود وضعیت سلامت روان زندانیان مشخص سازند. نتایج

عنوان مشخصه‌ای از افراد متجاوز جنسی بیان کرده است.

در مورد رابطه بین هوش هیجانی و تجاوز به عنف برخلاف آن که در گذشته تجاوز به عنف را رفتار برانگیخته جنسی در مردان سازش نایافته‌ای می‌دانستند که احتمال تکرار آن نیز وجود داشت، در حال حاضر این جرم را در بین مجموعه رفتارهای خشونت‌آمیز می‌دانند. به عبارت دیگر با توجه به اینکه گروه مجرمان دارای جرائم ورود به عنف مطالعه حاضر را به صورت کامل، مردان تشکیل داده‌اند، می‌توان یکی از دلایل بروز این جرم را ضمن توجه به دلایل زیستی، ضعف در کنترل هیجان‌های منفی به عنوان یکی از مؤلفه‌های هوش هیجانی نام برد (محمدی‌فروید، ۱۳۸۴).

در مورد پایین‌تر بودن هوش هیجانی مجرمان دارای جرائم مرتبط با مواد شاید بتوان گفت که این افراد مواد را به عنوان وسیله‌ای برای تنظیم روحیات و عواطف خود در تعامل با افراد و موقعیت‌ها مورد استفاده قرار می‌دهند که تبیین این تفاوت براساس یکی از مؤلفه‌های هوش هیجانی (یعنی توانایی شناسایی و کنترل هیجان‌ها) نیاز به در نظر گرفتن مؤلفه‌های هوش هیجانی را در مطالعات بعدی مطرح می‌سازد. در رابطه با دسته‌های دیگر جرم نیز یافته‌ای نظری یا پژوهشی یافت نشد و بررسی و تبیین آن نیازمند مطالعات آینده است. در هر حال باید این مسئله را در نظر داشت که تعمیم این نتایج به علت پایین بودن حجم نمونه هر کدام از دسته‌های مجرمان محدود است و برای تبیین چنین تفاوت‌هایی به پژوهش‌هایی با تعداد نمونه بیشتری نیاز است و نیز اینکه به علت حجم پایین نمونه در جرائم متفاوت، گروه‌بندی‌ها شاید درست انجام نگرفته باشد، برای مثال مجرمان دارای جرائم سرقت عادی با سرقت مسلحانه در یک دسته قرار گرفته‌اند که بررسی این افراد به صورت گروه‌های مجزا با تعداد نمونه بیشتر ممکن است نتایج متفاوت را نسبت به پژوهش حاضر به دست دهد. همچنین این احتمال وجود دارد که افراد مجرم به‌ویژه افرادی که هنوز محکومیت کیفری دریافت نکرده‌اند، در پرسشنامه‌های خود گزارش‌دهی خود را بهتر معرفی کنند.

با قبول این مسئله که جرم پدیده‌ای صرفاً روانشناختی است نمی‌توان گفت که تمام مجرمان از سطوح پایین هوش هیجانی برخوردارند، اما در تبیین نتایج به‌دست آمده می‌توان به این مسئله

اشاره کرد که در مفهوم‌سازی هوش هیجانی توانمندی‌هایی مطرح شده‌اند که می‌توانند بر کیفیت روابط اجتماعی تأثیر گذاشته و فرد را در به تعویق انداختن و کنترل تکانه‌ها و امیال و خواسته‌ها یاری کنند. مهارت‌های بین فردی هوش هیجانی مانند همدلی، درک عواطف خود و دیگران و مهارت‌های اجتماعی مسئله‌ای است که انتظار می‌رود با پیامدهایی مانند رابطه شخصی و اجتماعی بهتر در ارتباط باشند. افراد دارای سطوح پایین چنین توانمندی‌هایی به احتمال بیشتری در معرض ناسازگاری اجتماعی قرار داشته و ممکن است، در راه ارضای خواسته‌های خود به میزان بیشتری دچار مشکل شوند. نتایج به‌دست آمده علاوه بر مشخص ساختن این مسئله که در تبیین ارتکاب جرم باید هوش هیجانی افراد را نیز به عنوان عاملی تأثیرگذار در نظر داشت، اهمیت آموزش این نوع توانمندی را در خانواده‌ها، مراکز آموزشی و اصلاح و تربیت مطرح می‌کند (اگرچه برای چنین اقداماتی نیاز به پژوهش‌های بیشتری به‌ویژه از نوع آزمایشی در این زمینه وجود دارد). حتی به‌عنوان یک نظر می‌توان این مسئله را مطرح کرد که میزان هوش هیجانی مجرمان را به عنوان یک مینا برای دسته‌بندی و یا طبقه‌بندی مجرمان قرار داده و براساس آن این مسئله بررسی شود که آیا مجرمان دارای سطوح هوش هیجانی یکسان در مقوله‌های دیگری نیز دارای مؤلفه‌های مشابه هستند. فرض حاضر بر مبنای تحقیقات محدودی مطرح شده بود که از جمله می‌توان برای مثال تحقیقات (پیترایدز، ۲۰۰۴)، (تیلور، بگبی و پارکر، ۱۹۹۷)، (آیسنک ۱۹۷۷ به نقل از پاشا شریفی، ۱۳۷۷)، (مایر و سالووی، ۱۹۹۷) را نام برد که در همین راستا می‌باشد.

فرضیه سوم تحقیق بیان می‌کند که بین سلامت روان مجرمان با توجه به نوع جرم آنان تفاوت وجود دارد. براساس نتایج گزارش شده میانگین نمرات سلامت روان مجرمان براساس نوع جرم متفاوت می‌باشد. در این پژوهش پایین‌ترین میزان سلامت روانی مربوط به گروه رابطه نامشروع بود که به نظر می‌رسد در این گروه از مجرمان، به دنبال روابط نامشروع، سوءاستفاده جنسی، مصرف مواد مخدر و الکلی بودن نیز امری عادی باشد.

این نکته نیز باید گفته شود که حتی اگر بیشتر بودن فراوانی اختلال‌های روانی در بعضی مجرمین پذیرفته شود باز

هم این مسئله همچنان مطرح است که آیا اختلال‌های روانی قبل از زندانی شدن وجود داشته‌اند یا آنکه پیامد آن هستند؟ این احتمال وجود دارد که شرایط زندان بر حالت‌های روانی تأثیر منفی داشته باشد و اختلال‌های روانی پس از زندانی شدن بروز کند؛ بنابراین نه تنها باید عوامل مؤثر بر شیوه‌های مقابله مجرمان با مشکلات بررسی شود، بلکه باید این احتمال نیز در نظر گرفته شود که فزونی اختلال‌های روانی در زندانیان، بیش از آنکه بر وجود رابطه بین جرم با اختلال روانی صحت دارد احتمالاً می‌تواند ناشی از تأثیر جو زندان باشد.

از طرف دیگر انتظار می‌رفت بین هوش هیجانی مجرمان در دو جنس تفاوت وجود داشته باشد. میانگین نمرات هوش هیجانی مجرمان زن پایین‌تر از میانگین نمرات مردان بود. شاید بتوان گفت تربیت افراد براساس الگوهای جنسیتی مردانه منجر به شکل‌گیری صفات مردانه از قبیل شناخت احساسات و هیجان‌ها، ابراز و بیان آن‌ها و دیگر مؤلفه‌های هوش هیجانی می‌شود، در حالی که الگوهای تربیتی زنانه صفاتی از قبیل تحمل رنج و بازداری احساسات به دیگران را در مردان کمتر رشد می‌دهد و احتمالاً تفاوت نمره هوش هیجانی مردان و زنان ناشی از تأثیرگذاری الگوهای تربیتی غالب (مردانه) باشد.

همچنین امکانات آموزشی می‌تواند یکی از عوامل کاهش هوش هیجانی مجرمان زن نسبت به مردان باشد. در پژوهش‌های صورت گرفته قبلی یافته‌های متناقض گزارش شده است. بعضی مطالعات تفاوت در نمره زنان و مردان را فقط در زیرمؤلفه‌های هوش هیجانی دانسته‌اند و بعضی دیگر تفاوت در نمره کل هوش هیجانی دو گروه را گزارش کرده‌اند. حکیم جوادی و اژه‌ای (۱۳۸۳) و همچنین تیلور و همکاران (۱۹۹۷) نمره‌های مردان و زنان در خصوص هوش هیجانی را متفاوت گزارش کرده‌اند. ولی در هنجاریابی پرسشنامه هوش هیجانی پیترایدز و فارنهام هیچ تفاوت معناداری بین نمره‌های زنان و مردان گزارش نشده است (پیترایدز و فارنهام، ۲۰۰۴، به نقل از حاجتی، ۱۳۸۵).

نتایج حاصل نشان داد که مجرمان زن سلامت روانی پایین‌تری دارند. نسبت کم زنان زندانی موجب می‌شود نظام‌های زندانبانی در بیشتر نقاط جهان به سمت اداره شدن از منظری مردانه گرایش پیدا کنند. در نتیجه بیشتر زندان‌ها از نظر تسهیلات و امکانات

بر پایه نیازها و مقتضیات زندانیان مرد سازمان‌دهی می‌شوند. عدم انطباق امکانات، رویه‌ها و برنامه‌های طراحی شده (اشتغال، آموزش و بازپروری و...) براساس ویژگی‌ها و نیازهای مردان در بیشتر موارد باعث تهدید سلامت روان زندانیان زن می‌شود. از سوی دیگر به دلیل تعداد کم زندانیان زن نسبت به مردان اغلب زندانیان زن دورتر از محل سکونت خود نگهداری می‌شوند که همین مسئله مشکلات مختلفی را برای آن‌ها در پی دارد. یکی از آن‌ها کاهش ملاقات اعضای خانواده به‌ویژه کودکان با آنهاست. لزوم همراهی کودکان با بزرگسالان و مسافت هزینه‌های زیادی دارد که تأمین آن‌ها راحت نیست. نتیجه کاهش ملاقات‌های خانوادگی زنان زندانی مواجهه بیشتر آن‌ها با ناکامی‌های روانی و عاطفی است. همچنین براساس مطالعات انجام شده، در طول زمان این بحث وجود داشته که با شروع دوره قاعدگی، زنان مقدار زیادتری هورمون‌های جنسی آزاد می‌کنند که این هورمون‌ها بر روی رفتار پرخاشگری و ضداجتماعی آنان اثر می‌گذارد.

نتایج حاصل نشان داد که تنها یازده درصد رفتارهای مجرمانه را متغیرهای مورد نظر ایجاد می‌کند که در بین این متغیرها، هوش هیجانی و تحصیلات به ترتیب توانایی پیش‌بینی بهتری از رفتارهای مجرمانه را داشتند و بقیه متغیرهای پیش‌بینی‌کننده رفتارهای مجرمانه، ناشی از عواملی است که در این بررسی وارد نشده و یا مربوط به شرایط کلی جامعه است.

منابع

- اکرامی، یاسمن. (۱۳۸۰). «آیا می‌دانید هوش هیجانی یا بهره هیجانی چیست؟» تهران: نشریه موفقیت، شماره ۲۸.
- بابا پور خیرالدین، جلیل؛ رسول زاده طباطبایی، کاظم؛ اژه‌ای، جواد و فتحی، آشتیانی. (۱۳۸۲). «بررسی رابطه شیوه‌های حل مسئله و سلامت روان شناختی دانشجویان»، مجله روانشناسی، شماره ۲۵.
- پالانگ، حسن. (۱۳۸۱). «بررسی فراوانی اختلال شخصیت در مجرمین مرد زندانی در زندان شهرکرد»، فصلنامه اندیشه و رفتار، سال هشتم، شماره ۳.
- حاجتی، محمد. (۱۳۸۵). «هوش هیجانی»، ماهنامه اجتماعی، فرهنگی و آموزشی اصلاح و تربیت، شماره ۵۰، اردیبهشت ۱۳۸۵، تهران، انتشارات سازمان زندان‌های کشور.
- حکیم جوادی، منصور و اژه‌ای، جواد. (۱۳۸۳). «بررسی رابطه کیفیت دلبستگی و هوش هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی»، مجله روانشناسی، شماره ۳۰.
- خدا پناهی، محمد کریم. (۱۳۸۱). «انگیزش و هیجان»، تهران: انتشارات سمت.
- دادستان، پریخ، جان بنجامین. (۱۳۷۷). «تنیدگی یا استرس»، بیماری جدید

- Individual Differences. 31, 1105- 119.
- Ciarrochi , J., Deana. F & Anderson, S. (2002). Emotional intelligence moderates the relationship between stress and mental health. *Personality and Individual Differences*. 32, 197-209.
- Cobb, C. D. & Mayer, J. D. (2000). Emotional intelligence: what the research says. *Educational leadership*. 58, 14- 19.
- Engelberg . E. & Solberg, L. (2004). Emotional intelligence, effect intensity, and social adjustment. *Personality and Individual Differences*. 37, 533- 542.
- Eronen, m. Hakola, P. Tihonen, j. (1995). Mental disorder and homicided behavior in Finland. *Archive of General psychiatry*, 53, 501- 504.
- Gunne , j. (1991) Treatent needs of prisoners with psychiatric disorder: *British medical journal*, 303- 158- 195.
- Karen, K. & Sandy, W. (2001). Teaching pro social skills to young children to increase emotionally intelligence behavior. *Educational and psychological Measurement*. 456916, 112.
- Libel, T. & Snell Jar, W. E. (2004). Borderline personality disorder and multiple aspects of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*. 37, 394- 404.
- Lopes, P. N., Salovey , P. & Straus, R. (2002). Emotional intelligence, personality, perceived quality of social relationships. *Personality and Individual Differences*. 35, 641-658.
- Mayer, J. D., Caruso, D. R. & Salovey . P. (1999). Emotional intelligence Meets Traditional standards for an Intelligence. *Intelligence*. 27, 267- 298.
- Mehrabian, A. (2000). Beyond IQ: Broad- base measurement of individual success potential or emotional intelligence. *Genetic, Social and General psychology monographs*. 126, 133- 239.
- Moriarty, N., Stough , C., Tidmarsh , P., E year, D. & Dennisin , S. (2001). Deficit in emotional intelligence underlying adolescent set offending. *Journal of Adolescence*. 24, 743- 751.
- Parker, J. D., Toylor , G. J. & Bagby , R. (2001) Relationship between alexithymia and emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*. 30, 107- 115.
- Petrides , K. V., Frederickson, N. & Furnham , A. (2004). The role of trait emotional intelligence in academic performance and deviant behavior at school. *Personality and Individual Differences*. 36, 277- 293.
- Saklofske , D. H., Austin, E. J. & Minski , P. S. (2003). Factor structure and validity of a trait emotional intelligence measure. *Personality and Individual Differences*. 34, 707- 721.
- Schutte , N. S., Malouff , J. M., Simune , M., Mckenley . J. & Hollander, SH. (2002). Characteristic emotional intelligence and emotional well- being. *Cognition and Emotion*. 16, 769-785.
- Warwick, J. & Nettelbeck , T. (2004). Emotional intelligence is...? *Personality and Individual Differences*. 37, 1091- 1100.
- تمدن. مترجم: پریخ دادستان. تهران: انتشارات رشد.
- دادستان، پریخ. (۱۳۸۵). «روا شناسی جنایی»، تهران: انتشارات سمت.
- ریو، جان ماشان. (۱۳۸۲). «انگیزش و هیجان»، مترجم: یحیی سیدمحمدی. تهران: مؤسسه نشر ویرایش.
- سانورویان، مریم و همکاران. (۱۳۸۴). «نرم نشانه‌های عصبی در زندانیان مرد»، فصلنامه اندیشه و رفتار، سال یازدهم شماره ۴.
- ستوده، هدایت‌الله؛ میرزایی، بهشته و یازند، افسانه. (۱۳۷۸). «روانشناسی جنایی»، تهران: انتشارات آوای نور.
- سیاروچی، جوزف. (۱۳۸۵). «هوش هیجانی در زندگی روزمره»، ترجمه جعفر نخعی زنده، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول.
- صدیق، سروسستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۳). «آسیب‌شناسی اجتماعی»، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات آن.
- فقیهی، علی نقی. (۱۳۸۵). «بهداشت و سلامت روان در آینه علم و دین»، تهران: انتشارات حیات سبز.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۳). «حقوق جزایی عمومی ایران»، ج ۱، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- گلمن، دانیل. (۱۳۸۷). «هوش عاطفی»، مترجم: حمیدرضا بلوچ، انتشارات نگین، تهران.
- محمدی فرود، محمد. (۱۳۸۴). «روانشناسی جنایی»، تهران: انتشارات راه تربیت.
- مختاری پور، مرضیه. (۱۳۸۱). «هوش هیجانی و اختلالات آسیب شناختی»، فصلنامه تازه‌های روان درمانی، سال یازدهم، شماره ۴۱ و ۴۲.
- نجم عراقی، منیژه. (۱۳۸۱). «جامعه‌شناسی زنان»، تهران: نشر تی.
- یعقوبی، نورالله نصر، مهدی و محمدی، داوود. (۱۳۷۴). «بررسی همه‌گیری‌شناسی اختلالات روانی در مناطق شهری و روستایی شهرستان صومعه‌سرا»، فصلنامه اندیشه و رفتار، سال اول، شماره ۴.
- Asch, M. (2003). *Dictionary of psychology*. New Delhi-11002.
- Austin, E. J., Saklofske , D. H & Egan, V. (2005). Personality, well being and heath correlates of trait emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*. 38, 547- 558.
- Baron, R. (1997). *The Emotional Quotient Inventory (EQI): Technical manual* Toronto, Canada: Multi- Health Systems.
- Baron, R. (2000). Emotional and social intelligence: insights from the emotional Quotient inventory (EQ-I). IN Baron, R and parker, J (2000). *The handbook of emotional intelligence*. Sanfrancisco : jossey- Bass.
- Carson, K. D., Carson, P. P & Birr Kernmeier , B. (2000). Measuring emotional intelligence. *Journal of Behavioral and Applied Management*. 2, 32- 42.
- Cherniss , C. (2000). Emotional Intelligence: what it is and why it Matters. Eiconsortium , org, research. What is emotional intelligence?
- Ciarrochi , J., Chan, A. & Bajgar , J. (2001). Measuring emotional intelligence in adolescents. *Personality and*